

پژوهشی درباره چاپ اولین اسکناس در ایران

نوشته: دکتر علی شرقی

عضو هیات علمی دانشگاه و مشاور عالی اتاق ایران

کوتاهی به چگونگی پیدایش و رشد صنعت بانکداری در عهد باستان، که باید آنرا گام نخست برای چاپ و نشر اسکناس دانست، ضروری به نظر می‌رسد.

به بیانی ساده، بانکداری یعنی تجارت پول^(۳) و اعتبار. بنابراین، در هر کشوری که پول وسیله مبادله کالا شده، طبعاً معاملات مربوط به آن نیز که اساس بانکداری است، معمول گردیده است. در ایران باستان، از دوره هخامنشیان نشانه‌هایی از وجود موسساتی که امروز بانک نامیده می‌شوند، وجود داشته است.

سازمان‌های برادران "موراشواز نیپ پور" و بانک "اجی بی" از نخستین بانک‌هایی هستند که در امپراطوری هخامنشیان تاسیس شده بودند.^(۴) براساس متون تاریخی مربوط به این دوران، روشن است که در بابل، در زمان داریوش اول هخامنشی، "اجی بی" بانک معتبری بوده است. در قراردادهای این بانک نشانه‌هایی از ارتباط آن با "بخت نصر" که بر داریوش یاغی شده بود، به چشم می‌خورد.^(۵) از سوی دیگر، اسناد منتسب به اسرای یهودی زمان "بخت نصر" سوم حاکی از آن است که برادران "موراشواز نیپ پور"، بانکداران مشهور آن زمان، نیز زمانی چند در اسارت او به سر می‌برده‌اند.^(۶)

در قانون مشهور حمورابی نیز که به ۱۹۳۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد، مواردی درباره سپرده‌ها و چگونگی وام‌های مختلف وجود دارد و در آن حتی مقرراتی درباره حق‌العمل کاری (Commission) پیش‌بینی شده است. بر روی خشت‌هایی که در بابل کشف شده نیز قراردادهایی منقوش است. برای نمونه، بر روی یکی از آنها سندی است که حکایت از انتقال پول از بابل به "لارسا" می‌کند. فنیقی‌ها نیز که به کار تجارت و دریانوردی مشغول بودند، به خاطر داشتن



اما فرض

متداول در بسیاری از

جوامع غربی معمولاً این است که همه پیشرفت‌های عمده بشری از سده شانزدهم به بعد انجام گرفته است. به عنوان نمونه، در آزمون ساده‌ای که دو سال پیش در ایالات متحده آمریکا انجام گرفت، از پانصد دانشجوی دوره لیسانس و فوق لیسانس سوال شد که "بانکداری از ابتکارات کدام ملل بوده و از چه زمانی معمول گردیده است؟" بیش از ۶۵ درصد از این دانشجویان بانکداری را پدیده‌های نسبتاً نوینی پنداشته بودند که در اروپا نضج گرفته و مربوط به بعد از سده شانزدهم میلادی است. هنگامی که همین پرسش درباره زمان و محل آغاز چاپ و نشر اسکناس مطرح شد، بیش از ۷۸ درصد از دانشجویان که بسیاری از آنها دانشجویان مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی بودند، چاپ و نشر اسکناس^(۳) را پدیده نوینی دانسته بودند که در ۲۰۰ سال گذشته و به ابتکار اروپاییان روی داده است. و این درست در زمانی است که ما هفتصدمین سال چاپ و نشر نخستین اسکناس را در ایران پشت سر می‌گذاریم.

پیش از آغاز بحث اصلی این نوشتار اشاره

تمدن بشری، چون کاخ عظیمی است که در طول هزاران سال ملل گوناگون جهان، هر کدام در دوره شکوفایی فرهنگی خود، پاره‌ای و پایه‌ای از آن را پی‌افکنده‌اند. از این رو، اگر امروز کشورهایی به خاطر دستاوردهای علمی و تکنولوژیک مدرن دو سده گذشته توانمند شده و پیشرفته نام گرفته‌اند، به هیچ روی نباید وانمود گردد که از عمر پیشرفت و تمدن بشری بیش از همین چند سده نمی‌گذرد. انقلاب صنعتی یا انقلاب فرانسه در اروپا و یا جنبش‌های آزادی خواهانه آمریکا را نباید سرآغاز تمدن علمی و صنعتی جوامع بشری دانست.

تمایل جوامع مدرن صنعتی، یا به تعبیر دقیق‌تر، جوامع غربی، به ارایه و گسترش فرهنگ و جهان بینی خود امری طبیعی است. همچنین باتوجه به پیشرفت‌هایی که در سده‌های اخیر در زمینه دانش‌های بشری، به ویژه در زمینه صنعت و تکنولوژی مدرن در جهان غرب روی داده است "انسان غربی"^(۱) حق دارد به دستاوردهای شگفت‌انگیز خود در این زمینه‌ها بی‌الد. اما این دستاوردها و پیشرفت‌ها نباید بهانه و دلیلی برای نادیده گرفتن و یا کم بها جلوه دادن سهم سایر ملت‌ها، که بنیانگذاران واقعی تمدن کنونی بشری بوده‌اند، باشد. باید در نظر داشت که شناختن آتش و استفاده از نیروی اهرم و استخراج آهن و تهیه مفرغ و ساختن کاغذ و کشف مواد شیمیایی و اصولاً بنیاد نهادن اساس علوم فیزیک و شیمی و نجوم و پزشکی و هزاران دستاورد علمی دیگر در زمان خود نه تنها کمتر از کشف نیروی بخار و الکتریسته یا اتم نبوده است، بلکه بدون آن کشفیات و اختراعات و دانش‌ها و دستیابی به تکنولوژی مدرن غیر ممکن می‌بود.

روابط تجارتي با امپراتوري ايران، به تدريج اصول بانکداری را فرا گرفتند و آن را به يونانی‌ها آموختند و بدین سان بانکداری در يونان هم رواج گرفت. قوانین سولون (Solon) که در قرن هفتم قبل از میلاد در يونان تنظیم گردید، اخذ بهره را مجاز اعلام کرد و این باعث رونق بانکداری در آن سرزمین شد.^(۷)

رومی‌ها بانکداری را از يونانیان آموختند. در اواخر دوره جمهوری یا اوایل دوره امپراتوری، بانکداری در روم رونق یافت. دو گروه بانکدار عمده در این امپراتوری، یکی بانکداران نومیلاری "Numilari" بودند که صرفاً کارهای تبدیل پول و صرافى را انجام می‌دادند و گروه دوم، آرژانتاری "Argentari" که تقریباً کلیه خدمات بانکی را عرضه می‌داشتند^(۸) اما در آغاز قرون وسطی امپراتوری روم با حمله قبایل وحشی غرب اروپا نابود گردید و نه تنها تجارت و بانکداری رو به افول گذاشت بلکه اساس تمدن در مغرب زمین متزلزل شد، در حالی که بانکداری در ایران و سایر کشورهای متمدن شرق در حال رشد و گسترش بود.

پس از یک رکود ۴۰۰ ساله، در اوایل قرن یازدهم میلادی، شهرنشینی و تجارت دوباره در مغرب زمین رونق گرفت، جنگ‌های صلیبی رابطه آسیای میانه و مرکزی را با اروپا برقرار کرد و بانکداری و تجارت خارجی از سر گرفته شد.

کشور ایتالیای کنونی برپایه سابقه تاریخی خود پیشتاز بانکداری اروپا گردید و شهرهای فلورانس و ونیز و لمباردی مراکز مهم بانکداری آن زمان شدند.

واژه بانک نیز از همین زمان معمول گشت زیرا بانکداران لمباردی و ونیزی روزهای ویژه‌ای در میدان‌های عمومی روی نیمکت‌های کوچکی می‌نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می‌کردند و چون در زبان ایتالیایی نیمکت "بانکو" (Banco) نامیده می‌شود و مردم همیشه این کسان را نشسته بر روی این نیمکت‌ها یا پیشخوان‌ها

می‌دیدند، به تدریج آن‌ها را نیز بانکو و بانکیری (Banchieri) نام نهادند و به این ترتیب در سایر زبان‌ها واژه بانک برای این صنعت به کار برده شد.

در همین زمان که حدود پایان سده یازدهم یا اوایل سده دوازدهم است، بانک‌های ونیزی و بخصوص بانک‌های فلورانس که در بانکداری پیشگام دیگران شده بودند، به گسترش شبکه‌های بانکی خود پرداختند و برای اولین بار در غرب اروپا و انگلیس شعبه‌هایی دایر کردند. اما درست هنگامی که کشورهای اروپای غربی با پدیده بانکداری برای اولین بار آشنا می‌شدند، رویدادی بزرگ

در ایران باستان، از دوره هخامنشیان نشانه‌هایی از وجود موسساتی که امروز بانک نامیده می‌شوند، وجود داشته است.

در کشورهای چین و ایران در صنعت بانکداری و چاپ رخ داد و آن ابداع اسکناس بود.

تا قبل از انتشار اسکناس، بانک‌ها به صورت واحدهای کوچک محلی اداره می‌شدند زیرا واحد پول آن‌ها، سکه‌های طلا و نقره و سایر فلزات بود و جابجایی و انتقال پول را به خاطر وزن زیاد سکه از یک سو و نامنی راه‌ها از سوی دیگر، تقریباً ناممکن می‌ساخت. ابداع و رواج پول کاغذی بود که راه را برای توسعه شبکه‌های بانکداری هموار کرد.

چاپ و توزیع اسکناس در ایران در سال ۶۹۳ هجری قمری برابر با ۱۲۹۴ میلادی و در عهد پادشاهی گیخاتو از سلسله ایلخانیان صورت گرفت.^(۹) گیخاتو پادشاهی گشاده دست و خراج و بی‌اعتنا به مال و منال بود و "زر و سیم و جواهر و نفایس را به این عنوان

که زینت زنان است، مانند ریگ بیابان خوار می‌شمرد و در بذل و بخشش به اوگتای قآن تشبیه می‌کرد [و] به زودی خزانه را خالی کرد."^(۱۰)

در همین زمان بیماری عجیبی در میان دام‌ها در سراسر کشور شایع شد که وصاف آن را "یوت" و می‌خواند آن را "یوت میشی" خوانده‌اند. این بیماری اسرار آمیز که از آن به عنوان وبای گاوی یا طاعون رمه نیز یاد شده است، شماری بسیار از دام‌های ایران به خصوص در ایالات خراسان، دیار بکر و بغداد را نابود ساخت و بدینسان قسمت عمده درآمد کشور که از راه گله داری تامین می‌شد، قطع و خزانه مملکت تهی شد. صدر اعظم ایران، صدرالدین احمد خالدی زنجانی که به صدر جهان ملقب و به "صاحب‌دیوانی کل ممالک" منصوب شده بود، از عهده رفع این بحران مالی بر نیامد و عاجز ماند. هر چند پادشاه به حمایت از صدر اعظم خود "یرلیقی"^(۱۱) صادر کرد که از کنار جیحون تا حد مصر، عموم امرا و حکام و عمال و منشیان معزول باشند و همه خود را مطیع امر صدر جهان بدانند تا او هر که را به هر کاری که می‌خواهد، بگمارد و شاهزادگان و خواتین به هیچ کس موجب و اقطاعی ندهند.^(۱۲) لیکن نه تنها گره مالی کشور گشوده نشد بلکه فقر مالی دولت و نایابی پول تا به آنجا کشید که گاهی برای خرید یک سر گوسفند جهت مطبخ ایلخان پول در خزانه فراهم نبود.^(۱۳) عزالدین محمدین مظفر عمید، مشاور صدر جهان که شخصی با تدبیر و جهان دیده بود و درباره چین و مسایل مالی آن کشور اطلاعات بسیار داشت، به صدر جهان پیشنهاد کرد که بهتر است برای رفع بحران مالی کشور، همان گونه که در چین مرسوم است، به جای زر و سیم "چاو" یا پول کاغذی در کشور رایج شود:

"کنون که خزانه خالی است و نیاز به مال جهت پرداخت حواله‌ها و سایر مخارج بسیار است و وام کردن هم بعد از این دشوار شود و اگر به ناگاه لازم شود که سپاهی آماده کنیم،

از عهده برنیا بییم. از سوی دیگر، نمی‌توان از رعایا خراج گرفت چه سبب تنفر خاطر آنان و تخریب بلاد می‌شود. بهتر آنست که مانند ممالک قآن به جای زر و سیم "چاو" را معمول سازیم تا ابواب معاملات مفتوح شود و مال به خزانه باز گردد." (۱۴)

صاحب‌دیوان پیشنهاد مشاور خویش را کارساز تشخیص داد و درباره آن با "پولادچنگ سانگ"، سفیر چین در دربار ایران، نیز مشورت کرد و سپس پیشنهاد چاپ اسکناس را به پادشاه عرضه داشت:

"ایلخان حکم داد که در تمام ممالک به زر و سیم معامله نکنند و پارچه‌های زربفت جز آن چه مخصوص پادشاه و خواص امر است، نبافند و از ساختن زر و سیم اجتناب کنند... و به اطراف ممالک عراق عرب و عجم و دیار بکر و ربیع و موصل و میافارقین و آذربایجان و خراسان و کرمان و شیراز امیری بزرگ فرستاده شد تا در هر ملکی چاوخانه بنیاد کنند." (۱۵)

حکم ایلخان آن بود که دیگر سکه طلا و نقره به کار برده نشود و به جای آن اسکناس یا "چاو" چاپ و در جریان گذاشته شود و برای این منظور ۱۰ مرکز چاپ و نشر اسکناس در ولایات نامبرده ایجاد گردید. سازمان مرکزی چاوخانه در تبریز قرار داشت و از اداره مرکزی برای هر یک از شعبات چاوخانه در سایر ولایات یک مدیر (متصرف) و یک بازرس مالیات (بیتکچی) و یک حسابدار (خازن) فرستاده شدند.

به این ترتیب، مقدمات چاپ اسکناس که آن را "چاو مبارک" نامیده بودند، فراهم گردید. طرح اسکناس را به صورت وارونه بر روی قطعه‌های چوبی (به گونه‌ای که امروز کلیشه خوانده می‌شود) حکاکی کردند و کاغذ را از خمیر پوست درخت توت ساختند، بدین گونه که از پوسته‌های درخت توت و رشته‌هایی که در برگ این درخت است (کرم ابریشم قسمت‌های نرم برگ درخت توت را می‌جود ولی از خوردن رشته‌های داخل برگ عاجز است) خمیری درست می‌کردند و این خمیر را در میان دو لایه نم می‌گذاشتند تا خشک

شود و به صورت کاغذ درآید.

مارکوپولو سیاح معروف ونیزی که در همین زمان، یعنی در حدود هفتصد سال پیش، از طریق ایران به چین رفت، در سفرنامه خود چگونگی تهیه کاغذ و چاپ پول کاغذی در چین را یادداشت کرده است:

"از درخت توت که برگ‌هایش خوراک کرم ابریشم است، پوست‌های آن را جدا می‌کنند و آن رشته‌های باریک را که در میان پوست

کشور ایتالیای کنونی بر پایه سابقه تاریخی خود پیشتاز بانکداری اروپا گردید و شهرهای فلورانس و ونیز و لمباردی مراکز مهم بانکداری آن زمان شدند.

و برگ و ساقه درخت است، خیس می‌کنند؛ آن‌گاه در هاون کوبیده خمیر می‌کنند و از آن کاغذ می‌سازند." (۱۶)

از چاو و اسکناس که بگذریم، ابداع صنعت چاپ نیز به نوبه خود در خور اهمیت و توجه است. بیشتر اروپائیان گوتمبرگ را مبتکر چاپ می‌شناسد در صورتی که ۷۰۰ سال پیش از این، حداقل ۱۰ مرکز چاپ اسکناس در ایران وجود داشته است و تعداد بیشتری از آن در چین. از همین رو، صنعت چاپ را نیز باید یکی دیگر از ابتکارات و اختراعات عمده ملت‌های شرق شمرد. جان وال، پژوهشگر آمریکایی که مدتی نیز در ایران به سر برده است در این باره می‌نویسد: "ایرانی‌ها و چینی‌ها زمانی صنعت چاپ را ابداع نموده‌اند و هنر چاپ کردن را معمول داشته‌اند که اروپا غرق در توحش بود." (۱۷)

صد و یکسال پیش (۱۸۹۲) ژوزف روبینیو اولین رییس بانک شاهی ایران ضمن مقاله مفصل و عالمانه‌ای که درباره وضع اقتصادی و بانکی ایران تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه تهیه کرده بود و در مجمع بانکداران

اروپایی که در لندن برگزار شده بود، قرائت می‌کرد، چنین گفت:

جالب توجه است اینک که ما اسکناس را با معیارهای اروپایی آن در ایران معرفی می‌نماییم، به خاطر داشته باشیم که نظیر چنین تجربه‌ای را ایرانیان در شرایط سختی در قرن سیزدهم میلادی یعنی قرن‌ها پیش از آن که حتی چنین تصویری برای ما اروپاییان وجود داشته باشد، به جهانیان عرضه داشته‌اند." (۱۸)

پیش از بررسی چگونگی چاپ و انتشار "چاو" اشاره به این نکته ضروری است که واژه‌های چاپ و چاپخانه که امروز در زبان فارسی به کار برده می‌شوند، همان دو واژه "چاو" و "چاوخانه" عهد گیخاتو و صدر جهان‌اند. (۱۹)

اولین اسکناس ایران روز شنبه نوزدهم شوال سال ۶۹۳ هجری قمری (۲۰) در شهر تبریز منتشر شد. این اسکناس قطعه کاغذی بود به شکل مربع مستطیل که در بالای آن در دو طرف عبارات "لااله الا... و محمد رسول الله..." چاپ شده و در زیر این دو عبارت، نام و عنوان ختائی پادشاه به چشم می‌خورد. در وسط اسکناس دایره‌ای چاپ کرده بودند که در آن ارزش اسمی اسکناس از نیم درهم تا ۱۰ دینار (۲۱) قید شده بود. در پایین اسکناس نیز این جمله اخطار گونه به چاپ رسیده بود: "پادشاه در سنه ۶۹۳ این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید. تغییر و تبدیل کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانیده مال او را جهت دیوان بردارند." (۲۲)

با آن که خوشبختانه مشخصات و جزئیات این اسکناس توسط مورخین آن زمان به دقت یادداشت و ضبط شده است، نمونه‌ای از این اسکناس در هیچیک از موزه‌های بزرگ جهان یا مجموعه‌های خصوصی به نظر نگارنده نرسیده اما نمونه اسکناس مشابهی با همان مشخصات که در همان سال و با همان کاغذ و چاپ در چین چاپ شده، در مجموعه شخصی نگارنده در دسترس است.

هر چند اسکناس از ویژگی‌های بنیادی سیستم بانکی امروز جهان است، اما چاپ و

نشر آن در آن روزگار نه در چین و نه در ایران با استقبال مردم روبرو نشد. در آن دوران کارگزاران حکومتی علاقه چندانی برای آماده کردن اذهان مردم نداشتند و به جای آشنا ساختن تدریجی بازرگانان و پیشه‌وران با این ابتکار به همان روش معمول به تعریفات و تملقات بی‌معنی پرداختند: "چونامه به شیراز آوردند بغایت مطول، زبده تقریرات آن که چون چاو مبارک در عوض زر مانند اشک مهجوران جاری شود، فقر و فاقه و ضرر و مسکنت از میان خلایق مرتفع گردد... و غنی و فقیر در درجه تساوی گیرد و شعرا و افاضل در مدح آن نتایج فکر خود به اظهار رسانیدند. نمودار را این بیت از قطعه‌ی یکی از افاضل ثبت کرده شد.

چاو اگر در جهان روان گردد، رونق ملک جاودان گردد." (۲۳)

و آنگاه که مردم به اسکناس روی نیاوردند عمال حکومت بزور متوسل شدند و هر کس به زر و سیم معامله می‌کرد، مورد بازخواست قرار می‌گرفت: "روز شنبه کاغذ را به عنوان پول رسمی به جانشینی سکه‌های طلا و نقره نپذیرفتند و ابتکار حکومت وقت ایران به فرجام نرسید. اما، پس از گذشت چند سده، نوآوری چین و ایران آن دوران بنیاد موسسات اقتصادی و مالی جهان را دگرگون ساخت، آنگونه که امروز تصور شبکه‌های عظیم اقتصادی و بانکی بدون اسکناس در خیال هم نمی‌گنجد."

توضیح نویسنده:

* این نوشتار ترجمه گسترده مقاله‌ای به زبان انگلیسی است که در بهار ۱۹۹۳ در کنفرانس بررسی و تحلیل مسایل ایران در دانشگاه UCLA ارایه گردید و بخشی از کتاب نگارنده به نام: Contribution to the Modern Banking خواهد بود که در دست نگارش است. ع.ش

زیرنویس‌ها:

۱ مراد از "انسان غربی" میراث بر

مجموعه اندیشه‌ها و رویدادهایی است که از قرن شانزدهم در مغرب زمین پدیدار شد و تجدد نام گرفت. برای بحثی در این باره ن.ک. به: جمشید بهنام، "درباره تجدد"، ایران نامه، شماره ۳، سال هشتم، تابستان ۱۳۶۹، صص ۳۴۷-۳۷۴.

۲. واژه اسکناس در اصل همان assignat فرانسوی است که در زبان روسی assignanas شده و به زبان فارسی راه یافته. ن.ک. به: ابراهیم پورداود، هرمزد نامه.

چاپ و توزیع اسکناس در ایران در سال ۶۹۳ هجری قمری برابر با ۱۲۹۴ میلادی و در عهد پادشاهی گیخاتو از سلسله ایلخانیان صورت گرفت.

۳. پول در زبان فارسی به معنی جسر است که بعداً به پل تبدیل شده است. در نوشته‌های قدیم اولین بار واژه پول در سفرنامه ناصرخسرو به معنای وسیله داد و ستد به کار رفته است: "در این شهر اخلاط (از شهرهای ارمنستان) به سه زبان سخن گویند... و معامله آنجابه پول باشد" سفرنامه ناصرخسرو، صص ۸-۹. به نوشته کریستن سن دانمارکی، ظاهراً این کلمه از زمان اشکانیان از واژه "پول" یونانی گرفته شده است. آ. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ص ۲۷. ابراهیم پورداود ریشه این واژه را obolos یونانی با obole فرانسوی می‌داند: ابراهیم پورداود، هرمزد نامه، تهران، صص ۲۳۳-۲۷۴.

۴- مجله بانک سپه، شماره ۱، سال اول.

۵- حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، تاریخ ایران باستان، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۱، ج

- دوم، صص ۹۵۰-۹۵۱.
۶. همان، صص ۵۵۳-۵۵۴ و ۹۵۰-۹۵۱.
۷. عبدالحمید زنگنه، بانک، تهران، ۱۳۱۸، صص ۱-۲.
۸. همان، صص ۹-۶.
۹. ن.ک. به: شهاب‌الدین وصاف، تاریخ وصاف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶؛ سرجان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، تهران، ۱۳۰۳ ق.
۱۰. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ص ۲۴۸.
۱۱. یرلیغ واژه مغولی است به معنای فرمان و منشور پادشاه.
۱۲. عباس اقبال، همان، ص ۲۴۷.
۱۳. همان، ص ۲۴۸.
۱۴. تاریخ وصاف، ص ۱۶۵.
۱۵. همان جا.

16. The Travels of Marco polo, New York. 1926, pp.156-158
17. John Wall, "The Paper Money of Perxia" in The Currency Collector, Vol.14, No2, (1973), P.61.
18. Joseph Robino, "Banking in Perxia," in Journal of The Institute of Bankers, Vol.13, January 1892, p.24.
۱۹. ابراهیم پور داود، همان صص ۲۳۳-۲۷۳.
۲۰. مجتبی مینوی چاپ را مشتق از واژه "چهپه" هندی می‌داند. اما هم پورداود و هم مینوی "چهپه" را نیز شکل دیگری از واژه چاو می‌شمرند.
۲۰. وصاف به جای شوال ماه ذیقعد سال ۶۹۳ هجری قمری را آورده است، همان، ص ۱۶۶.
۲۱. درهم ظاهراً معرب درم فارسی است که معادل ده یک دینار است. دینار ماخوذ از واژه دیناریوس یونانی، به معنای "ده‌تایی" است. از این رو، هر دینار برابر ده درهم یا درم است.
۲۲. تاریخ وصاف، ص ۱۶۶.
۲۳. همانجا.

